

پیشنهاد ازدواج آسان ازدواج موقت، زنان مطلقه جوان صاحب فرزند با جوانان دانشجو

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۱۰/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۳/۱۸)

سهیلا حقیقی

چکیده

پیامبر(ص) فرمودند: «هرکس در ازدواج زن و مردی تلاش کند خداوند به تعداد هر مویی از بدنش شهری در بهشت به او کرامت می‌فرماید.» و در روایتی دیگر محمدبن مسلم می‌گوید: «امام صادق (ع) از من پرسید آیا تاکنون متعه کرده‌ای؟ در پاسخ عرض کردم خیر، فرمود تا زنده هستی برای احیای این سنت اقدام کن. با توجه به اهمیت احادیث ازدواج موقت، هدف اصلی این پیشنهاد ازدواج آسان می‌باشد. البته تحقق این هدف، اهداف دیگری را به دنبال خواهد داشت. از جمله از بین رفتن گناهان به روز و روابط جنسی نامشروع مجازی، ارزش و اهمیت به شخصیت زن مطلقه و مورد هوا و هوس قرار نگرفتن توسط مردهای مختلف، ازدواج هرچه سریعتر زنان مطلقه، حذف مهریه زیاد، رقابت ازدواج زنان مطلقه جوان با دختران، رواج چند همسری در آینده. حال چرا این دو قشر مورد بحث متعه می‌باشد؟ به دلیل اینکه این دو قشر شرایط ازدواج دائم را ندارند و بسیار مورد آسیب می‌باشند. در اینجا منظور از جوان در موضوع اندیشه‌ی جوان می‌باشد، نه نسل جوان. زن مطلقه جوان ثروتمند صاحب فرزند طبق نظر سنجی بیان نموده که مهریه را بخشیده ام و حضانت فرزند را گرفته ام و طبق ماده ۱۱۷۰ قانونی مدنی، اگر مادر ازدواج دائم نماید سلب حضانت می‌شود و باید تا پایان عمر صیغه شود و جوان دانشجو که شرایط ازدواج دائم ندارد بخاطر هزینه مسکن و... اما از لحاظ بلوغ جنسی شرایط ازدواج موقت را دارد.

واژگان کلیدی: عقد موقت، ازدواج، زوج و زوجه، بذل مدت، تعدد همسر، بذل مدت،

ازدواج آسان

بخش اول: بررسی ازدواج موقت از دیدگاه، شرع، تاریخ، قانون و عرف

بند اول: بررسی ازدواج موقت از دیدگاه شرع

در اصول کافی، از کتب اربعه و اصلی شیعه آمده است: (إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ إِنِ أَخَذْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا- كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَهْلَ بَيْتِي عِترَتِي أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا وَقَدْ بَلَغْتُ إِلَيْكُمْ سِتْرِدُونَ عَلَى الْحَوْضِ فَأَسْأَلُكُمْ عَمَّا فَعَلْتُمْ فِي الثَّقَلَيْنِ وَ الثَّقَلَانِ كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِي ((زید بن ارقم: این حدیث به شش طریق از او در کتاب های سنن نسائی، [۳] المعجم الکبیر طبرانی، [۴] سنن ترمذی، [۵] مستدرک حاکم نیشابوری [۶] مسند احمد [۷] و کتاب های دیگر نقل شده است.) ترجمه: من در میان شما دوجیز باقی میگذارم که اگر آنها را دستاویز قرار دهید، هرگز گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم که اهل بیتم هستند. ای مردم بشنوید! من به شما رساندم که شما در کنار حوض بر من وارد می شوید، پس من از شما درباره رفتارتان با این دو یادگار ارزشمند سوال خواهم کرد، یعنی کتاب خدا و اهل بیتم. با توجه به اهمیت حدیث ثقلین که در بالا ذکر شد بحث ازدواج موقت (متعّه) را ابتدا از منظر قرآن و اهل بیت بررسی می نمایم

الف. از دیدگاه قرآن

۱-۱) دلایل قرآنی

«... وَأَحَلَّ لَكُمْ مَاوَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء، ۲۴).

در دلالت این آیه بر مقصود چند وجه ذکر شده است:

۱-۱-۱) دلالت کلمه «استمتاع»

بعضی از لفظ «استمتاع» که در عرف به معنای ازدواج موقت است، چنین استفاده کرده اند که بنای شارع بر این بوده که احکام را مطابق فهم متعارف مردم بیان کند و در صورت عدم قرینه بر خلاف، برای فهم الفاظ شرعی مثل بیع، ربا و. معنای عرفی متشرعه معیار است؛ از این رو، لفظ استمتاع نیز باید بر معنای عرف شرعی حمل گردد [۱] (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۵۲؛ ابن زهره، به نقل از مروارید، ۱۴۱۰ق: ج ۱۸، ص ۲۸۳).

البته اهل سنت معتقدند لفظ استمتاع به معنای مطلق التذاذ و انتفاع می‌باشد، در نتیجه استمتاع بر معنای لغوی حمل شده و آیه بر نکاح دائم دلالت می‌کند (فخر رازی، بی تا: ج ۱۰، ص ۴۹).
 شیخ طبرسی معتقد است یکی از نشانه‌هایی که لفظ استمتاع در این آیه بر نکاح موقت دلالت دارد، این است که در آیه شریفه حکم شده: «فاتوهن أجورهن» یعنی تمام مهرشان را به صرف عقد پردازید. در حالی که در نکاح دائم، در صورت طلاق قبل از دخول، تنها نصف مهر لازم است و نه تمام آن و تنها در نکاح موقت است که به صرف عقد تمام مهر واجب می‌شود [۲] (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، صص ۵۳-۵۲).

شاهد دیگر اینکه بر اساس قرائت دیگری آیه شریفه چنین قرائت می‌شود: «فما استمتعتم به منهن إلی أجل مسمى» بر اساس این قرائت، قید «اجل مسمى» اضافه شده است که به معنای نکاح موقت می‌باشد، چون در نکاح دائم، ذکر مدت معنا ندارد [۳] (طبرسی، ۱۴۰۶ق: ج ۳، ص ۵۲).

۱-۱-۲) دلالت کلمه «أجورهن»

کلمه «أجورهن» بر ازدواج موقت دلالت می‌کند؛ زیرا در نکاح دائم أجری نیست، بلکه فقط مهر و صداق وجود دارد (ابن زهره، به نقل از مروارید، ۱۴۱۰ق: ج ۱۸، ص ۲۴۸).
 البته برخی از فقهای شیعه نسبت به دلالت لفظ أجورهن بر مدعی خدشه وارد کرده‌اند؛ قطب راوندی در این باره می‌نویسد: «وفی اصحابنا من قال: قوله: أجورهن يدل علی أنه تعالی اراد المتعة لأن المهر لا یسمى أجراً بل سماه الله تعالی صدقةً و نحلةً» (راوندی، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۱۰۵). ایشان بعد از ذکر ادعای بعضی بر مطلوب، در جواب می‌نویسد:

«و هذا ضعیف لأن الله سمی المهر أجراً فی قوله: «فانکحوهن باذن اهلهن و آتوهن أجورهن» و فی قوله: «والمحصنات من الذین آتوا الکتاب من قبلکم اذا آتیتموهن أجورهن» و من حمله ذلک کله علی المتعة، کان مرتکباً لما یعلم خلافه» [۴] (همان). در اصل دلالت آیه بر مشروعیت متعه میان فقهای شیعه اختلافی نیست که بیان خواهد شد، حتی اهل تسنن هم در اصل مشروعیت متعه اتفاق نظر دارند.

۳-۱) استحباب متعه

در بحث متعه، این سؤال مطرح است که آیا متعه غیر از حکم اباحه متصف به احکام خمسه دیگر همچون مستحب می شود؟ اگر مستحب است، آیا به عنوان ثانوی مثل احیای سنت، استحباب پیدا می کند یا فی نفسه امری مستحب است؟

فقها در این مورد معمولاً از کلمه «مشروعیت» استفاده کرده اند و مشروعیت اعم از اباحه و استحباب است. ولی در روایات به عنوان «حکم ثانوی» یعنی به قصد احیای سنت متروکه اسلام به آن اشاره شده که مستحب مؤکد می باشد؛ ولی نباید اصرار عملی از جانب مؤمنین بر آن باشد که نوعی شهوترانی محسوب گردد؛ زیرا در این صورت از هدف اصلی خارج شده و موجب بدبینی نسبت به دستورات اسلامی خواهد شد. در روایات استحباب متعه به منظور احیای سنت، چنین آمده: «. إن كان يريد بذلك وجه الله تعالى و خلافاً على من انكرها لم يكلمها كلمة إلا كتب الله له بها حسنة و. » (عاملی، بی تا: ص ۴۴۳، ح ۳). (اگر با این عمل قصد جلب رضایت خداوند و مخالفت با منکرین این حکم را داشته باشد، در مقابل هر کلمه ای که نزد همسرش ابراز می کند، پاداشی برای وی نوشته می شود).

ب. از دیدگاه اهل بیت (روایات)

صاحب وسائل الشیعه مجموعه ای از این روایات را در بابی تحت عنوان «باب استحباب المتعه و ما ینبغی قصده بها» جمع آوری نموده که در این باب روایتی جلب توجه می کند: «عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله (ع) قال: قال لي: تمتعت؟ قلت: لا، قال: لا تخرج من الدنيا حتى تحيي السنه» (همان، ح ۱۱). (محمد بن مسلم می گوید امام صادق (ع) از من پرسید تاکنون متعه کرده ای؟ در پاسخ عرض کردم: خیر، فرمود تا زنده هستی برای احیای این سنت اقدام کن).

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کسی که ازدواج موقت کند و بعد غسل کند، از هر قطره ای که از آب غسل می چکد، خداوند هفتاد ملک را خلق می نماید که تا روز قیامت برای او طلب آمرزش و بخشش نمایند و تا روز قیامت بر کسی که از این عمل دوری کند لعنت می فرستند. (وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۴۴۴-۴۴۷)

ج. از دیدگاه تاریخ

عمر در زمان خلافت خود بدعت‌هایی را پایه گذاری نمود که از جمله آنها تحریم این دو متعه است.

د. از دیدگاه قانون (حقوقی)

از منظر قانون، حکم ازدواج مجدد برای مردان چیست؟

آخرین شرط از شروط دوازده گانه طلاق در سند ناحیه ازدواج مجدد مرد، نیازی به اذن همسر اول ندارد و مجازاتی هم برای مرد ندارد. جواب مختصر این است ازدواج موقت بدون اجازه همسر اول و حتی ازدواج دائم بدون اجازه همسر اول جرم نیست آنچه جرم است عدم ثبت واقعه نکاح دائم است. اما توضیح مفصل این که در ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ ازدواج موقت بدون اجازه همسر اول و ازدواج دائم بدون اذن همسر را جرم معرفی کرده و برای آن مجازات تعیین شده بود اما بعد از انقلاب بر طبق نظریه شورای نگهبان این ماده قانونی غیر شرعی اعلام شد. در حال حاضر قانونی که در این خصوص حاکم است ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ می‌باشد. بر طبق این ماده عدم ثبت ازدواج دائم جرم بوده و مجازات آن جزای نقدی درجه پنج یا حبس تعزیری درجه هفت می‌باشد. بنابراین اولاً مطلق ازدواج مجدد بدون اجازه همسر یا دادگاه جرم نیست. ثانیاً عدم ثبت ازدواج موقت بدون اجازه همسر و بدون ثبت هم جرم نیست. ثالثاً اگر مردی حتی بدون اجازه دادگاه یا همسر اول به هر طریقی! ازدواج را ثبت کند، جرم عدم ثبت واقعه نکاح دائم را مرتکب نشده است. رابعاً در فرض که مردی بدون اجازه دادگاه و همسر، ازدواج دائم کند بدون اینکه ثبت کرده باشد، برای همسر دوم جرمی متصور نیست. آخرین شرطی که زوج در عقد نامه آن را امضا می‌کند و اختیار طلاق را به همسرش می‌دهد، ازدواج مجدد مرد بدون اجازه همسر است که در صورت وقوع این مورد، زن حق طلاق را از مرد می‌گیرد.

بخش دوم: مواردی از ازدواج های پیامبر(ص) یکسال بعد از رحلت خدیجه (س)

پیامبر (ص) یک سال بعد از رحلت خدیجه (س) در سال یازدهم بعثت با زن بیوه ای به نام سوده دختر ذمه ازدواج کرد، این زن شوهری به نام سکران بن عمر داشت که در صدر اسلام، مسلمان شده بود، و بر اثر فشار مشرکان، همراه عده ای به حبشه هجرت کرد، ولی در حبشه مسیحی شد، سپس در همانجا از دنیا رفت، سوده بی سرپرست ماند، شرایط به گونه ای بود که بی سرپرستی این زن آبرومند مهاجر، به شخصیت و کرامت او لطمه می زد، پیامبر(ص) برای جبران این چالش با او ازدواج کرد، و در حقیقت سرپرستی او را بر عهده گرفت، پس از مدتی پیامبر (ص) با عایشه دختر ابوبکر، که وصلت با او یک نوع رابطه خویشاوندی با قبیله تیم می شد، و همین موجب پیشرفت اسلام می گردید، ازدواج نمود، و در میان همسران پیامبر(ص) تنها بانویی که دوشیزه بود(اقتباس از بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۱). عایشه بود، قابل توجه این که او وقتی که همسر پیامبر(ص) شد بسیار کم سن و سال بود، و سال ها گذشت تا توانست یک همسر واقعی برای پیامبر(ص) باشد، این نشان می دهد که ازدواج های پیامبر انگیزه های دیگری، و بیشتر جنبه سیاسی داشته است. پیامبر (ص) در راستای تثبیت اسلام در شرایطی قرار داشت که لازم بود از تمام وسایل برای شکستن اتحاد و نا مقدس دشمنان استفاده کند، که یکی از آنها ایجاد رابطه خویشاوندی از طریق ازدواج با قبایل طوایف مختلف بود، زیرا محکم ترین رابطه در میان عرب جاهلی، رابطه خویشاوندی به حساب می آمد، و داماد قبیله را همواره از خود می دانستند، و دفاع از او را لازم، و تنها گذاشتن او را گناه می شمردند. رسوبات این تعصب حتی سال ها بعد از اسلام ادامه داشت، تا آنجا که در سال ۶۱ هجری در ماجرای کربلا، شمر بن ذی الجوشن که با ام البنین مادر حضرت ابوالفضل(ع) خویشاوندی داشت، در روز تاسوعا برای حضرت عباس و برادران مادریش، امان نامه آورد، که از طرف آن حضرت به شدت رد شد. (۵ مقتل ابن نما، ص ۲۸).

پیامبر (ص) تا در مکه بود همین دو همسر (عایشه و سوده) را داشت، با توجه به این که از هیچ کدام از آنها دارای فرزند نشد. پس از آن که آن حضرت به مدینه هجرت کرد، تا سال چهارم

با زنی ازدواج نکرد، در سال چهارم یک حادثه‌ای که بیشتر جنبه عاطفی و رعایت حریم کرامت زن بود، باعث گردید که پیامبر(ص) با زن بیوه‌ای به نام ام سلمه که دارای چند یتیم بود ازدواج کرد. ماجرا چنین بود که ام سلمه (هند دختر امیه مخزومی) دختر عاتکه عمه پیامبر(ص) بود، او که دختر عمه پیامبر(ص) بود با ابوسلمه بن عبدالاسد ازدواج کرد، ابوسلمه در جنگ احد که در رکاب پیامبر(ص) با دشمن می‌جنگید به سختی مجروح شد، و پس از گذشت هشت ماه از جنگ احد، بر اثر همان جراحات به شهادت رسید، روزی پیامبر(ص) به عنوان تسلیت به ام سلمه و بچه‌هایش، به خاطر شهادت شوهرش ابوسلمه، به خانه ام سلمه آمد، و او را دل‌داری داده و به او تسلیت گفت. و در حق او چنین دعا کرد: «خدایا اندوه ام سلمه را برطرف ساز، و مصیبت او را (در مورد از دست دادن شوهرش) به برتر از آن عوض بده. » وقتی که عده ام سلمه (چهار ماه و ده روز) تمام شد، عده‌ای از او خواستگاری کردند، جواب منفی داد، تا این که رسول خدا (ص) از او خواستگاری کرد، او که مایل به رسول خدا (ص) بود، گفت: «من یک زن سالمند هستم، به علاوه چند یتیم دارم. » پیامبر(ص) در مورد سن و سال او فرمود: سن من بیشتر از تو است، و در مورد یتیمان، از آنها سرپرستی می‌کنم، غصه آنها را نخور. سرانجام ام سلمه با پیامبر (ص) ازدواج کرد، و همسر پیامبر(ص) گردید(۶). شیخ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۸۴ و ۲۸۵؛ اسدالغابه، ج ۵، ص ۲۱۸ و ۵۸۹. بنابراین ازدواج پیامبر(ص) با ام سلمه، جنبه عاطفی و سرپرستی، و حفظ کرامت و شخصیت دختر عمه‌اش ام سلمه را داشت.

یکی از ازدواج‌های پیامبر(ص) ازدواج با حفصه دختر عمر بن خطاب بود، که در سال سوم یا چهارم هجرت رخ داد، او قبلاً همسر خنیس بن خدانه، هم سوگند و هم پیمان با آل خطاب بود، با حفصه دختر عمر ازدواج کرد، او از مسلمانان صدر اسلام بود، و همراه مهاجران به حبشه هجرت کرد، سپس همراه همسرش پس از هجرت رسول خدا (ص) به مدینه، هجرت به مدینه کرد، و در جنگ بدر حضور داشت، و در جنگ احد که در سال سوم هجرت رخ داد از مجاهدان پر تلاش بود، مجروح شد، سپس بر اثر همین جراحت جنگی به شهادت رسید. پیامبر (ص) با این زن بیوه نیز ازدواج کرد، ازدواج آن حضرت با حفصه، به عمر بن خطاب آرامش

داد، و موجب پیوستگی پیامبر(ص) به دودمان عدی شد، که از نظر سیاسی نقش مهمی در پیشرفت اسلام، و نابودی موانع سر راه آن حضرت گردید. طبق نقل بعضی خنیس شوهر حفصه در سال سوم هجرت در مدینه از دنیا رفت، پس از اتمام عده حفصه، عمر ازدواج او را به ابوبکر پیشنهاد کرد، ابوبکر جواب منفی داد، سپس به عثمان پیشنهاد کرد، عثمان نیز جواب مثبت نداد، عمر به عنوان شکایت به مجنبر پیامبر(ص) آمد، پیامبر(ص) برای آرامش عمر(و جذب او و دودمانش) به او فرمود: «شخصی بهتر از عثمان با حفصه ازدواج می کند.» آنگاه دستور داد تا حفصه را برایش خواستگاری نمودند(اسدالغابه، ج ۵، ص ۲۵، اصابه، ج ۴، ص ۲۶۴، بحار، ج ۲۲، ص ۲۰۲) بنابراین ازدواج پیامبر(ص) با حفصه نیز جنبه سیاسی عاطفی داشت، و با پیشنهاد و درخواست خود عمر، و برای آرامش او انجام پذیرفت. یکی دیگر از ازدواج های پیامبر(ص) که آن هم جنبه عاطفی و سیاسی داشت، ازدواج آن حضرت با ام حبیبه دختر ابوسفیان بود. توضیح این که ام حبیبه که نامش رمله بود، با این که دختر ابوسفیان و خواهر معاویه بود، در همان سال های اول بعثت، اسلام را پذیرفت، و با شوهرش عبدالله که او نیز مسلمان شده بود، بر اثر فشار و آزار مشرکان، همراه گروهی به حبشه هجرت نموده و به پادشاه حبشه به نام نجاشی پناهنده شدند. ولی پس از مدتی شوهرش عبدالله در حبشه به مسیحیت گروید و مسیحی شد، سرانجام در همان حبشه از دنیا رفت، ام حبیبه بی سرپرست ماند، پیامبر(ص) از بی سرپرستی و رنج های ام حبیبه در راه اسلام، آگاه شد، و دریافت که او نیاز به سرپرست مهربان دارد، تا چالش رنج های او جبران گردد، نامه ای برای نجاشی شاه حبشه نوشت، و از او خواست که ام حبیبه را برایش خواستگاری کند. نجاشی که پادشاه عادل بود و در باطن مسلمان شده بود، به نامه پیامبر(ص) احترام کرد، و ام حبیبه را برای پیامبر(ص) خواستگاری نمود. ام حبیبه با کمال میل پاسخ مثبت داد، و خالد بن سعید یکی از مسلمانان را وکیل نمود که او را به عقد ازدواج پیامبر(ص) در آورد، عقد اجرا شد، و نجاشی در مراسم عقد به مسلمانان مهاجر ولیمه داد. وقتی این خبر به ابوسفیان رسید گفت: «محمد(ص) دامادی است که او را رد نمی کنند.» جالب این که ام حبیبه به قدری شیفته اسلام و پیامبر(ص) بود، وقتی که به مدینه به محضر رسول خدا(ص) آمد و به او پیوست، پس از مدتی در ماجرای

صلح خُدیبیه (که در سال ششم هجرت رخ داد) ابوسفیان برای تمدید صلح، به مدینه به خانه پیامبر (ص) آمد، خواست بر روی تشک پیامبر (ص) بنشیند، ام حبیبیه از او جلوگیری کرد، و گفت: «تو مشرک و نجس هستی و نمی‌توانی در این مسند بنشینی، زیرا این مسند جایگاه پاک‌ترین افراد است» (اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۲۰، ج ۱، ص ۳۲۵)

آیا به راستی رواست چنین بانویی رها شود و بر کرامتش ضربه برسد، با این که او افتخار می‌کرد که به چنین موقعیتی رسیده و همسر پیامبر (ص) شده است، به علاوه این ازدواج می‌توانست زمینه‌ای برای جذب خاندان ابوسفیان به اسلام گردد، و دست کم آزار و کارشکنی این خاندان را نسبت به آن حضرت و آیین اسلام کاهش دهد.

یکی دیگر از ازدواج‌های پیامبر (ص) با جویرییه بود، توضیح این که در سال ششم هجرت به پیامبر (ص) خبر رسید حارث بن ابی ضرار (پدر جویرییه) رئیس قبیله بنی مصطلق در صدد جمع آوری اسلحه و سرباز، برای یورش به مدینه است، پیامبر اکرم (ص) با یاران خود به سوی آن قبیله برای جلوگیری از گزند آنها حرکت کرد، و در کنار چاه مریسج به جنگ با آنها پرداخت، آنها با دادن ده نفر کشته و مقداری غنائم جنگی و چند اسیر، عقب‌نشینی کردند.

در میان اسیران بانویی به نام جویرییه دختر حارث به عنوان کنیز، سهمیه یکی از رزمندگان به نام ثابت بن قیس شد. ثابت با جویرییه مکاتبه کرد، یعنی قراردادی بست که اگر فلان مبلغ پول به اقساط بپردازد، قیس او را آزاد خواهد کرد. او مقداری از مبلغ مورد مکاتبه را پرداخت، و از دادن بقیه درمانده شد، به محضر پیامبر مهربان (ص) رسید، و از او تقاضای کمک برای آزادی کامل خود کرد. حضرت به او قول مساعد داد که هم با دادن بقیه بدهکاری او، وی را آزاد سازد، و پس از آزادی، با او ازدواج کند، او خوشحال شد، و همین پیشنهاد تحقق یافت. مسلمانان وقتی که دیدند جویرییه همسر پیامبر (ص) شده به احترام او هر کس سهمیه خود از اسیران طایفه او را آزاد نموده، و در نتیجه صد نفر دودمان بنی مصطلق آزاد شدند، پدر جویرییه که برای آزادسازی دخترش به مدینه رهسپار می‌شد، پس از دیدن معجزه‌ای (که یک خبر غیبی بود) به اسلام گروید، و به طفیل او و دخترش گروهی از طایفه بنی مصطلق مسلمان شدند. (اقتباس از احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱)

چنانکه ملاحظه می کنید این ازدواج نیز پربرکت برای مسلمین و دودمان بنی مصطلق بود، همین وصلت باعث گرایش جمعی به اسلام، و رفع و دفع شورش گروهی به اسلام گردید. هم جنبه عاطفی و سیاسی داشت و هم جنبه نظامی و آتش بس و صلح. یکی دیگر از ازدواج های پیامبر (ص) ازدواج با ماریه قبطیه (به عنوان ملک یمین و کنیز) بود، توضیح این که پیامبر اعظم (ص) در سال هفتم هجرت برای شاهان و رؤسای کشورها نامه نوشت و آنها را دعوت به اسلام نمود، یکی از این نامه ها را برای مقوقس رئیس قبطیان که مسیحی بود و در اسکندریه مصر سکونت داشت نوشت، او به نامه پیامبر (ص) و نامه رسان آن حضرت، حاطب بن ابی بلتعنه احترام شایان کرد، ولی برای حفظ سلطنتش، اسلام را نپذیرفت، و به جای آن هدایای بسیار نفیس از جمله سه کنیز که یکی از آنها ماریه قبطیه بود به محضر پیامبر (ص) فرستاد، پیامبر (ص) هدایای او را پذیرفت. (منتهی الآمال، ج ۱، ص ۸۰)

یکی از ازدواج های پیامبر (ص) با میمونه دختر حارث بن حزن هلالی، خواهر ام الفضل همسر عباس عموی پیامبر (ص) بود. توضیح این که میمونه بیوه ای بود که قبلاً دو شوهر کرده بود، و آخرین بانویی بود که در سال هفتم هجرت در حالی که آن حضرت حدود ۵۹ سال داشت، همسر پیامبر (ص) گردید. او در مکه می زیست، و عباس عموی پیامبر (ص) عقد او را برای پیامبر (ص) اجرا نمود. میمونه و خواهرانش از زنان با ایمان بودند، پیامبر (ص) آنها را اهل بهشت معرفی کرد. میمونه از محبان حضرت علی (ع) بود و روایاتی در شأن آن حضرت، از پیامبر (ص) نقل کرده است. (ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۳۲۴).

از قرائن و شواهد استفاده می شود که میمونه پس از مرگ شوهران سابقش، بی سرپرست بود، و نیاز به پناهگاهی داشت، عباس عموی پیامبر (ص) او را که خواهر همسرش بود، به عقد ازدواج پیامبر (ص) درآورد، تا زندگیش سروسامان یابد. یکی از همسران پیامبر (ص) که در قرآن در شأن او آیه ای نازل شد، ام شریک است، این بانو که در صفاء می زیست، بعد از شوهرش ابو عکر مسلمان شد، ابو عکر به مدینه هجرت کرد، ولی از دنیا رفت، او که تنها مانده بود، و مشرکان فهمیده بودند که ام شریک نیز مسلمان شده، بسیار او را مورد آزار و شکنجه قرار دادند که داستان طولانی است، سرانجام خود را که بیوه ای بی سرپرست بود، و نیاز شدید

به پناهگاه داشت، به مدینه رسانید، و خدمت پیامبر(ص) رسید و عرض کرد: «من مدتی است که شوهر ندارم، اینک به محضرت آمده‌ام تا خود را به تو ببخشم.»

یکی دیگر از ازدواج‌های پیامبر(ص) ازدواج با زینب دختر جحش، دختر عمه پیامبر(ص) است، که در قرآن به آن اشاره شده است، او بانویی با جمال و با کمالی بود، همراه پیامبر(ص) از مکه به مدینه هجرت نمود. روزی خواهرش را نزد رسول خدا (ص) فرستاد و توسط او به پیامبر(ص) پیشنهاد ازدواج کرد، ولی پیامبر(ص) زیدبن حارثه غلام آزاد شده خود را برای ازدواج با او پیشنهاد کرد. زینب نخست تمایل به ازدواج با زید را نداشت، ولی پس از نزول آیه ۳۶ احزاب که بیانگر اطاعت از پیامبر(ص) است، زینب پیشنهاد پیامبر (ص) را پذیرفت، پیامبر(ص) او را به عقد ازدواج زیدبن حارثه درآورد. ولی طولی نکشید که زینب که از خاندان قریش بود، با زید که سابقه بردگی داشت، نتوانست زندگی کند، و ناسازگاری بین آنها آشکار گردید. و زید خواهان طلاق او شد، چنان که آیه شریفه «فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا» (ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۳۲۴). هنگامی که زید به طور کامل از زینب، کامیاب و سیر شد و بی نیاز گردید. «به این مطلب دلالت دارد. سرانجام زید، زینب را طلاق داد. پس از آن که عده او گذشت، پیامبر(ص) با او ازدواج کرد. قرآن فلسفه ازدواج پیامبر (ص) با زینب را چنین بیان می‌کند: «وَزَوْجًا كَمَا لَكِ لَا يَكُونُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ»؛ (۱۵) او را به همسری تو در آوردیم تا مشکل برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده هایشان هنگامی که طلاق گیرند نباشد. «بنابراین با توجه به اینکه زید پسر خوانده پیامبر(ص) بود، و مردم خیال می‌کردند که پسر خوانده در احکام مانند پسر حقیقی است، و نمی‌توان با زن طلاق داده او ازدواج کرد. پیامبر(ص) برای شکستن این سنت خیالی جاهلی، با زینب ازدواج کرد، تا سنت شکنی کرده باشد. در عین حال یهودیان به پیامبر(ص) تهمت زدند که خود می‌گوید ازدواج زن پسر حرام است، ولی خودش با زینب زن پسر خوانده‌اش ازدواج نموده است، در رد آنها آیه ۴ و ۵ سوره احزاب نازل گردید، که ترجمه‌اش این است: «خداوند فرزند خوانده‌های شما را فرزند حقیقی شما قرار نداده است، این سخن شما است که به دهان خود می‌گویید (سخنی بی پایه و باطل) اما خداوند حق را می‌گوید و به سوی حق هدایت می‌کند،

آنها را به نام پدرانشان بخوانید، که این کار نزد خدا عادلانه تر است. « ازدواج های دیگری نیز پیامبر(ص) داشته که خداوند به خاطر مصالح و اموری به او چنین اجازه ای داده بود، و هیچ کدام به خاطر مسایل جنسی و امور شهوانی نبوده است، بلکه جنبه انسانی، فرهنگی، عاطفی، سیاسی، شکستن سنت های باطل، و سرپرستی ایتم و ضعیف نوازی و اموری از این قبیل بوده است. حتی در بعضی از تواریخ می خوانیم که پیامبر(ص) با زنان متعددی ازدواج کرد، و جز مراسم عقد، و یا صرف خواستگاری چیزی انجام نشد، و این امور به خاطر آن بود که زنان بی نوا با همین اندازه با پیامبر(ص) احساس افتخار و شخصیت کنند، و روحیه عزتمندی خود را حفظ نمایند.

بخش سوم: بررسی ازدواج زن زیبای مطلقه جوان، ثروتمند و فرزند دار با جوان دانشجو

در ابتدا به بررسی یک مورد از صحبت های زن مطلقه صاحب فرزند می پردازیم. خانم. هستم سی و پنج ساله دارای یک فرزند پسر ده ساله مدت یکسال هست که با آقای. دانشجوی دکترا در ارتباط هستم. بسیار همدیگر را دوست داریم و بنده مهریه ام را بخشش نمودم تا حضانت فرزندم را بگیرم و تا پایان عمرم بایستی متعه شوم و گرنه سلب حضانت می شوم. امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به معراج رفت، فرمود: جبرئیل نزد من آمده و گفت: ای محمد (ص) خداوند تبارک و تعالی می فرماید: من گناهان زنانی که از امت تو متعه شوند را بخشیدم. (رسائل ج ۱۴/لئالی ج ۳/ من لا یحضر ج ۳)

اولا خانم مطلقه جوان چه ازدواج زیبایی انجام داده اند با توجه به روایات ازدواج موقت. ثانيا اینکه طبق صحبت های این خانم مطلقه صاحب فرزند چند بحث به وجود می آید:

(۱) طریقه صحیح عقد موقت (سند کاغذی)

(۲) سلب حضانت فرزند به جهت ازدواج دائمی مادر

(۳) مساله ارث فرزند و نفقه

(۴) مساله ارث زن و مرد و نفقه

بند اول: طریقه صحیح عقد موقت (سند کاغذی)

قبل از خواندن صیغه‌ی عقد موقت، ابتدا باید مهریه‌ای مشخص شود تا صیغه‌ی عقد صحیح باشد. حتی اگر خانم بگوید مهریه نمی‌خواهم، باز هم عقد صحیح نیست. لذا حتماً باید مهریه هر چند اندک مشخص شود.

تذکر: مهریه باید به گونه‌ای باشد که ارزش مالی داشته و مقدار آن هم کاملاً مشخص باشد. مثلاً اگر می‌گویند مهریه یک جلد کلام الله مجید باشد، یا این قرآن کریم را همان موقع نشان دهند که معلوم شود چه قرآنی منظور است و یا این که قیمت آن را مشخص کنند و بگویند: مهریه، یک جلد کلام الله مجید باشد، به قیمت (مثلاً) ۱۰ هزار تومان.

برای صحیح بودن عقد موقت، باید قبل از خواندن صیغه‌ی عقد، مدت محرمیت به صورت دقیق مشخص شود. در این میان تفاوتی نمی‌کند که این مقدار اندک باشد (مثلاً یک ساعت) یا زیاد باشد (مثلاً بیست سال). اگر بگویند: «تا هر زمانی که دوست داشتیم» یا «تا زمانی که در دانشگاه بودیم» یا «تا وقتی که یکدیگر را دوست داشتیم» در تمام این مثال‌ها به خاطر مجهول بودن زمان عقد، صیغه‌ی محرمیت باطل است. یکی از شرایط اساسی برای ازدواج دختر باکره اذن پدر یا پدر بزرگ پدری است.

بند دوم: روش‌های مختلف برای خواندن صیغه‌ی عقد موقت

روش اول: عاقد، شخص ثالث است.

اگر عاقد شخص دیگری باشد، ابتدا باید از هر دو طرف برای خواندن صیغه‌ی عقد وکالت بگیرد و بعد از آن، صیغه را این گونه بخواند:

فرض کنید که نام خانم «فاطمه» است و نام آقا هم «علی». در این صورت:
به وکالت از خانم بگوید: زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي (فاطمه) مُوَكَّلِي (علی) فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ

پس به وکالت از آقا بگوید: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي (علی)

معنی صیغه: موکّل خودم «فاطمه» را به تزویج «علی» در آوردم، در مدت مشخص و با مهریه‌ی مشخص

قبول کردم این ازدواج را.

روش دوم: عاقد، خود زن و مرد هستند.

اگر آقا و خانم هر کدام بخواهند صیغه‌ی مربوط به خود را بخوانند، این گونه بگویند:

ابتدا خانم می گوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ، عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»

بعد بلافاصله آقا بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ»

معنی صیغه: خانم می گوید: تو را به زوجیت خود درآوردم، در مدت مشخص و با مهریه‌ی مشخص.

آقا می گوید: قبول کردم این زوجیت را.

روش سوم: عاقد، خود داماد است.

اگر آقا از خانم وکالت بگیرد که خودش صیغه‌ی عقد را بخواند، این گونه بگوید:

ابتدا به وکالت از خانم بگوید: «زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي (فاطمه) نَفْسِي، فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ، عَلَى الْمَهْرِ

الْمَعْلُومِ»

بعد بلافاصله برای خودش بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ»

معنی صیغه: موکلم فاطمه را به ازدواج خودم در آوردم، در مدت معلوم و با مهر معلوم

قبول کردم این ازدواج را.

روش چهارم: عاقد، خود عروس است.

اگر خانم از آقا وکالت بگیرد که خودش صیغه‌ی عقد را بخواند، این گونه بگوید:

ابتدا از طرف خود بگوید: «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي، فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ، عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ»

بعد بلافاصله از طرف داماد (موکل خود) بگوید: «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِمُوَكَّلِي (علی)»

معنی صیغه: خودم را به ازدواج تو درآوردم در مدت معلوم با مهر معلوم

قبول کردم این تزویج را از طرف موکلم.

توجه: کسانی که قصد دارند بعد از عقد موقت، با یکدیگر عقد دائم داشته باشند. باید قبل از

خواندن عقد دائم، یا مدت عقد موقت تمام شده باشد و یا این که آقا بگوید: «باقی مدت را

به همسرم بخشیدم». اگر این کار را انجام ندهند، عقد دائم باطل است و با به اتمام رسیدن مدت

عقد موقت، به یکدیگر نامحرم می‌شوند.

بخش چهارم: سلب حضانت، به جهت ازدواج دائمی مادر

بر طبق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی اگر مادر در زمانی که حضانت طفل با او است ازدواج نماید خواه فرزند دختر باشد یا پسر حضانت از او به تقاضای شوهر سلب می‌شود. در این راستا زوج می‌تواند با تقدیم دادخواست سلب حضانت فرزند مشترک را از مادر پس بگیرد و حضانت را از او سلب نماید. بدیهی است که مادر حق ملاقات فرزند را دارد

بخش پنجم: مساله ارث فرزند و نفقه

لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا (۷سوره نساء) در ماده ۱۱۵۸ قانون مدنی می‌خوانیم: «طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است، مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از شش ماه و بیشتر از ده ماه نگذشته باشد.» همچنین وی از پدر و مادر خود ارث خواهد برد نفقه وی نیز بر پدر واجب است. برای مردان از آنچه پدر و مادر و نزدیکان [پس از مرگ خود] به جای می‌گذارند سهمی است؛ و برای زنان هم آنچه پدر و مادر و نزدیکان به جای می‌گذارند سهمی است، اندک باشد یا بسیار، سهمی است لازم و واجب. (۷) اگر به هر دلیلی زن و شوهری که با همدیگر ازدواج موقت کرده اند بچه دار شوند این بچه از نظر حقوقی هیچ تفاوتی با فرزند حاصل از ازدواج دائم نخواهد داشت و تمام شئونات وی را دارا خواهد بود.

بخش ششم: مساله ارث زن و مرد و نفقه

در ماده ۹۴۰ قانون مدنی رابطه توارث میان زوجینی برقرار شده است که عقد دائم کرده باشند. بر اساس این ماده "زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند، از یکدیگر ارث می‌برند". ارث نبردن زن در عقد موقت، بر اساس قواعد فقهی است که در قانون مدنی هم بر این اساس پیش بینی شده است. به این دلیل که ارث بردن و رابطه توارث، جزء احکام آمره هستند، توافق بر خلاف آن هم مجاز نمی‌باشد. به همین مناسبت، شرط ارث بردن در عقد موقت هم بنا به نظر مشهور تر، صحیح نمی‌باشد. چرا که شرط ارث در عقد موقت، میزان سهم الارث دیگران را تحت تاثیر قرار خواهد داد. با توجه به نظرات قرآن و قانون پیرامون ارث

مساله ازدواج موقت آشکار و علنی شود بهتر هست. یکی از مقررات متعه این است که زن منقطعه از تو ارث نمی برد و تو نیز از او ارث نمی بری. (وسائل الشیعه ج ۱۴، کتاب النکاح، باب ۳۲ از ابواب المتعه، ص ۴۸۷ ح ۸)

نتیجه گیری

یکی از تمایلاتی که در همه جوانان بطور طبیعی وجود دارد علاقه به کارهای نو و افکار جدید است و جوانان شیفته مطالب و مقالات تازه و سبک های نوین می باشند و مایلند زندگی جدیدی را برای خود انتخاب نمایند و روش هایی را غیر از روش بزرگسالان برگزینند (برگرفته از تحقیق حقیقی ص ۷۵ از کتاب جوان از نظر عقل و احساسات محمد تقی فلسفی ج ۲ ص ۱۰۷) بنابراین با توجه به مشکلاتی که در محیط کارم پیرامون زنان مطلقه جوان ثروتمند مشاهده می نمودم که روز به روز بر تعدادشان افزوده می شود و همچنین به جهت اینکه خودم دانشجوی ارشد بودم می دیدم که دانشجوی های جوان شرایط ازدواج دائم را ندارند اما از لحاظ بلوغ جنسی بسیار نیاز به ازدواج دارند پس نتیجه گرفته ام که می توان ارتباطی بین این دو قشر ایجاد نمود. بنابراین شروع به تحقق و جستجو نمودم از طریق نظرسنجی متوجه شدم که این دو قشر با هم در ارتباط جنسی می باشند اما ارتباطی به عنوان دوستی موقت و پنهانی و بدون محرمیت. بنابراین تردیدی در پیشنهاد خودم ندیدم و به این نتیجه رسیدم که چه زیبا می تواند باشد همیچین ازدواجی که از روی علاقه صورت گیرد اگر ما به جوانان اجازه دهیم خودشان میتوانند مشکلات امروزی و آنلاین خود را حل نمایند. بنابراین موضوع خودم را در گروه واتساپ (گروه مباحث اصول ۳) رشته ی کارشناسی ارشد فقه و حقوق عنوان نمودم و دانشجویان را به چالش انداختم و دقیقاً جمله بنده این بود که موضوع مقاله پیرامون این موضوع می باشد در واقع می خواهم یک پیشنهاد ارائه نمایم برای ازدواج آسان، چند همسری، حذف مهریه زیاد، ازدواج زنان مطلقه، از بین رفتن روابط جنسی نامشروع مجازی و مورد سوء استفاده قرار نگرفتن زن های مطلقه و در یک لحظه واکنش های عجیبی مشاهده نمودم که از این همه موارد، مسئله چند همسری را در ذهن انتخاب نمودند و شروع به مخالفت کردند و افرادی هم

گروه را ترک نمودند و مجادله و مباحثه شروع شد و در نهایت مدیر گروه، گروه را مسدود نمودند و به گروهی دیگر فرستاده شدیم. ما هنوز در جامعه‌ای زندگی میکنیم که نمیتوانیم بطور آزادانه بحث نماییم تا بتوانیم تصمیم‌گیری صحیح انجام دهیم. بنابراین با توجه به بررسی آیات و روایات متوجه شدم که بسیار زیاد پیرامون ازدواج موقت بحث شده است و حدیثی زیبا امام صادق (ع) فرمود: «هنگامی که پیامبر (ص) به معراج رفت فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و گفت ای محمد خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: من گناهان زنانی را که از امت تو متعه شوند بخشیدم (رسائل ج ۱۴، الثاني ج ۳) و با توجه به ازدواج‌های مجدد پیامبر (ص) و متعه‌های ایشان به اهمیت این موضوع پی بردم و با توجه به بررسی نظرسنجی اظهار نظر زن مطلقه جوان، متوجه شدم که با ماده قانون سنیت دارد که بر طبق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی اگر مادر زمانی که حضانت طفل با او است ازدواج نماید خواه فرزند پسر باشد یا دختر حضانت از او به تقاضای شوهر صلب می‌شود. و در این راستا زوج میتواند با تقدیم دادخواست حضانت را از او صلب نماید زن مطلقه هم در نظراتش عنوان نموده بود که مهریه ام را بخشیدم تا حضانت فرزندم بگیرم پس نتیجه گرفتم که زن مطلقه صاحب فرزند اگر بخواهد فرزند خود را نگه دارد تا آخر عمر، بایستی ازدواج موقت بماند و اینکه بر طبق این مساله فرد دانشجوی هم که شرایط دائم را ندارد با زن مطلقه جوان ثروتمند فهمیده و بادرایت میتواند ازدواج موقت طولانی نماید اما با این ذهنیت باید باشد که آقای دانشجو بعد از مدت مثلاً ۵ سال بتواند با دختردوشیزه‌ای هم ازدواج نماید به شرطی که زن مطلقه (همسر اول خود را رها نماید) چرا که او نیز به سرپرستی و هفته‌ای یکبار به گفته خودش باید حقوقش رعایت شود و متوجه شدم چقدر چند همسری به این طریق زیبا می‌باشد و با انجام این پیشنهاد به تمام اهدافم رسیده ام ازدواج آسان، حذف مهریه زیاد، ازدواج زنان مطلقه، و چند همسری که بوجود می‌آید و مورد سوء استفاده قرار نگرفتن زن مطلقه جوان و فرزند آوری بیشتر که همه نتایج آشکار و علنی شدن این پیشنهاد می‌باشد. نتیجه آخر اینکه این پیشنهاد بایستی بصورت یک قانون مصوب شود تا گناهان بروز مجازی از بین رود. هیچ جوان مجردی تنها نباشد حالا که جوانان خودشان در جامعه پیش قدم شده اند بهتر است که به صورت کارشناسانه پیرامون این مسائله مهم بحث نمایم تا از حالت

دوستی موقت به ازدواج موقت تبدیل شود تا حقوق یک زن ضایع نگردد.

نتایج نظرسنجی

- برای اینکه مشکل ازدواج جوانان حل شود، بایستی از خودشان کمک بگیریم.
- مباحثه و بحث می تواند خیلی از مسائل را برای ما روشن نماید چراکه خانم هایی که مخالف شدید بحث بودند در پایان موافق یا بی طرف شدند.
- ما باید عرف را در جامعه از بین ببریم و به دستورات اسلام پایبند شویم.
- بحث بسیار خوب و کاربردی و مورد نیاز جامعه می تواند مشکلات جوانان را حل نماید.
- همینطور که گناهان فضای مجازی به روز شده اند ما هم باید به روز باشیم.
- بحث ازدواج موقت اکنون تحت عنوان دوستی موقت در جامعه صورت گرفته است.
- زن مطلقه بایستی جوان و ثروتمند باشد از لحاظ فکری و مالی و فهمیده و با درایت باشد که بتواند ازدواج موقت نماید.

به هرحال باید گفت این پیشنهاد ازدواج زن مطلقه جوان صاحب فرزند با دانشجو بسیار کاربردی می باشد و اکنون تحت عنوان دوستی موقت در جامعه صورت گرفته است اما بهتر است به ازدواج موقت تبدیل شود و علنی و آشکار شود تا حقوق زن مطلقه ضایع نشود تا حمایت قانون و خانواده را به دنبال داشته باشد. طبق حدیثی از امام علی (ع) که فرمودند: *إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ، فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُو عَيْشُكَ*. زن، گل است، نه پیشکار پس در همه حال، با او مدارا کن، و با وی، به خوبی همنشینی نما تا زندگی ات باصفا شود.^۱ زن گل است ریحانه است و خودتان خاصیت گل را می دانید که اگر دست به دست شود پژمرده می شود اما زن مطلقه اگر بخواهد ازدواج موقت نماید بایستی طولانی مدت باشد نه اینکه یک شبه از جسم او استفاده شود و او را رها کنند که این مخالف دین و آیین ما می باشد چراکه طبق ازدواج های متعه پیامبر همچنین ازدواج موقتی ثواب نخواهد داشت.

۱ من لا یحضره الفقیه: ج ۳ ص ۵۵۶ ح ۴۹۱۱ و ج ۴ ص ۳۹۲ ح ۵۸۳۴، مکارم الأخلاق: ج ۱ ص ۴۷۰ ح ۱۶۰۷، وسائل الشیعة: ج ۱۴ ص ۱۲۰ ح ۳

منابع و مآخذ

- ۱) من لا يحضره الفقيه: ج ۳ ص ۵۵۶ ح ۴۹۱۱ و ج ۴ ص ۳۹۲ ح ۵۸۳۴، مكارم الاخلاق: ج ۱ ص ۴۷۰ ح ۱۶۰۷، وسائل الشيعه: ج ۱۴ ص ۱۲۰ ح ۳
- ۲) من لا يحضره الفقيه جلد ۳ - كتابخانه ديگيتال (بازار كتاب) قائميه من لا يحضره الفقيهها
شاره: سرشناسه: ابن بابويه، محمد بن على، ۳۱۱-۳۸۱ ق. عنوان و نام پديدآور: من لا يحضره الفقيه / تاليف ابى جعفر محمد بن على بن.
- ۳) WWW. GHBOOK. IR مستدرک الوسائل - كتابخانه ديگيتال (بازار كتاب) قائميه
- ۴) HTTPS://WIKISHIA. NET مستدرک الوسائل (كتاب) ويكى شيعه
- ۵) الكافي (كتاب) - ويكى شيعه؛ اصول كافى مشهور ترين بخش الكافى محسوب مى شود. كلينى بر آن بوده تا احاديث الكافى را بر اساس عدم مخالفت با قرآن و موافقت با اجماع جمع آورى. تعداد جلد: ۱۵ جلد نويسنده: كلينى (متوفى ۳۲۹ ق) محل نشر: قم
- ۶) تهذيب الاحكام - كتابخانه ديگيتال (بازار كتاب) قائميه، تهذيب الاحكام، ج ۱، ص: ۲
اشاره: سرشناسه: طوسى، محمد بن حسن، ۳۸۵-۴۶۰ ق. عنوان و نام پديدآور: تهذيب الاحكام فى شرح المقنعه للشيخ المفيد رضوان.
- ۷) تهذيب الاحكام - ويكى نور، دانشنامه تخصصى؛ اثر ابى جعفر محمد بن حسن طوسى، معروف به شيخ طوسى (متوفى ۴۶۰ ق)، سومين كتاب از كتب اربعه روايى شيعه است. تعداد جلد: ۱۰، چاپ: ۴، سال نشر: ۱۳۶۵ ش مكان نشر: تهران- ايران
- ۸) WWW. GHBOOK. IR الاستبصار - كتابخانه ديگيتال (بازار كتاب) قائميه، الاستبصار المجلد ۱ الى ۴ اشاره: سرشناسه: طوسى، محمد بن حسن شيخ طوسى (شيخ الطائفه).
- ۹) WWW. GHBOOK. IR تهذيب الاحكام - كتابخانه ديگيتال (بازار كتاب) قائميه

